

بسم الله الرحمن الرحيم

«حَبِّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا»

جزوه ارتباط گیری، تعامل و مکالمه بازنده با مخاطب عراقی



نسخه نیمه شعبان ۹۳

انجمن توسعه روابط مردمی دانشجویی ایران و عراق

مرکز بین المللی فردی بهتر

ملتقى الصداقة بين الشعبين الايراني والعراقي
facebook.com/iraqiran14



فهرست مطالب

۴ مقدمه
۵ به زبان تصویر
۸ یک کلام
۹ مردم شناسی و ارتباط گیری
۹ ۳ «بدانیم» مهم در مورد عراق و مردم عراق
۱۰ ۶ «ویژگی» مهم مردم عراق
۱۱ نتیجه گیری و جمع بندی عملیاتی
۱۲ ۶ «راهبرد» مهم ارتباطی
۱۳ ارتباط در یک صفحه!
۱۴ اشخاص و جریانات تأثیر گذار عراق
۲۱ آموزش فشرده و مکالمه محور لهجه عربی عراقی
۲۲ مکالمه ۱ : سلام و احوال پرسی اولیه با حاتم
۲۳ مکالمه ۲ : گرفتن تاکسی در مرز مهران و صحبت با راننده
۲۴ مکالمه ۳ : پرسیدن مسیر پیاده روی از برادر عراقی
۲۶ مکالمه ۴ : صحبت با احمد در مورد ارتباطات فرهنگی دانشجویان ایران و عراق
۲۸ مکالمه ۵ : یک شای گرم در یک صبح سرد روبروی حرم امیرالمومنین
۳۰ مکالمه ۶: بدو بدو تصریف! تبدیل ریال به دینار!
۳۱ مکالمه ۷ : فندق احباب العباس و چک و چونه با هتلدار!
۳۲ مکالمه ۸ : زنگ زدن به احمد و گذاشتن قرار ملاقات برای صحبت
۳۳ مکالمه ۹ : صحبت با یک برادر ارتشی
۳۴ قواعد ۱ : من دانشجو هستم!
۳۵ عبارات ۱، ۲، ۳: افعال پرکاربرد پرسشی/ صفات و قیود پرکاربرد/ قیود زمانی به همراه مثال نمونه
۳۹ عبارات ۴ : عبارت های تشکر و خداحافظی
۴۰ قواعد ۲، ۳، ۴ : صرف فعل ماضی/ مضارع/ امر
۴۳ جدول ۱ : جدول ارقام و ساعات
۴۴ جدول ۲ : جدول افعال

همه ساله در ایام نیمه شعبان و اربعین حسینی شاهد شکل گیری بزرگترین اجتماع مردمی جهان در طول تاریخ هستیم. حضور خیل کثیری از مردم عراق و سایر شیعیان سراسر جهان توأم با نور هم‌دلی و قرابتی که در این پیاده‌روی بر قلوب شیعیان تابیده شده، باعث می‌شود ارتباطی مهم‌تر میان هر یک از افراد شکل بگیرد که از این منظر میتوان فهمید نوع تعامل و نقش ما زائران ایرانی، در نمایش و تبیین فرهنگ ایرانی اسلامی مان چقدر مهم است.

اینکه یک برادر عراقی در ذهن خود از گذشت ما، از مهربانی ما، از دلسوزی ما، از فهم فراقشوری ما، از اسلام ما، از انقلاب ما، و از ایران ما چه تصویری داشته باشد، اینکه چقدر از ایران، بی‌آنکه سفر کرده باشد، خاطره‌ی خوش داشته باشد، چقدر – خدای نکرده – دلخور شود، دست من و تویی است که قرار است در این بزم حسینی، گام بزنیم. اینگونه است که یک من به اندازه‌ی یک ایران، یک ایران اسلامی و انقلابی مهم و بزرگ می‌شود و چقدر من و تو و ما بزرگ شده ایم.

اما جزوه ای که اینکه پیش رویتان قرار دارد نوشته ای است اولیه با هدف کمک به برقراری ارتباط و تعامل سازنده با برادران عراقی مان. امیدواریم با عنایت امام حسین علیه السلام و محبت اهل بیت عصمت و طهارت این جزوه مایه برقراری پیوندهای محبتی-رفاقتی بین دو ملت مسلمان و قهرمان ایران و عراق گشته و باعث گسترش روزافزون احکام جهانی اسلام در منطقه غرب آسیا شود.

همانطور که نویسنده نیز واقف است نقایص متعددی بر جزوه مترتب است. خوشحال می شویم تا کمک کرده و این تلاش قلیل را با هم تبدیل به یک شجره طیبه در حوزه ی نقش آفرینی های مردمی جهان اسلام بنماییم. ما را از پیشنهادات و نظرات خود محروم نفرمایید. ar.mataji@gmail.com







امام خمینی:

«با اخلاق خوش خودتان، با رفتار خودتان، و با کردار خودتان، ان شاء الله که این وجهه اسلامی جمهوری اسلامی را صادر کنید به خارج^۱». «ان شاء الله، چنانچه انتظار می‌رود، با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن گونه که هست به نمایش ملتهای جهان می‌گذارید و توجه آنان را با برخورد های برادرانه و محبت آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می‌نمایید و عملاً تبلیغات فاسد مغرضانه بوقهای تبلیغاتی را خنثی می‌نمایید، که در این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود^۲»

امام خامنه ای:

«یکی از آسانترین طرق که همه میتوانند او را انجام بدهند، این است که ایرانی مسلمان که زیر لوای جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام دارد زندگی میکند، با رفتار خود، با حرکات خود، با منش خود، اسلام جمهوری اسلامی را معرفی کند؛ خود را معرفی کند؛ تأثیر تربیت اسلامی بر خود را نشان بدهد. این یکی از آسانترین راههاست... شما زبان هم بلد نباشید، تماس هم نگیرید، همین قدر که معلوم است که شما زائر ایرانی هستید و این رفتار را دارید؛ مؤدبید، محترمید، نظیفید، اهل دعائید، اهل ذکرید - این دعای کمیلی که بحمدالله سالهاست باب شده است - بزرگترین تبلیغ همینهاست. این از بسیاری از تبلیغها مهمتر است. این جمعیت عظیم مؤمن می‌نشینند پیش خدای متعال تضرع میکنند، استغفار میکنند، اشک میریزند؛ این میشود تبلیغ^۳».

۱ سخنرانی در جمع اعضای تیم کشتی آزاد - ۱۳۶۰/۹/۲۱

۲ پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید قربان - ۱۳۶۳/۶/۴

۳ در دیدار کارگزاران حج ۱۳۸۸/۸/۰۴

۱- بدانیم مخاطبمان دارای فرهنگ و تاریخی غنی و پربار و از نظر فکری-

فرهنگی نیز به ما خیلی نزدیک است. عراق و مردم عراق از دیرباز دارای فرهنگی بسیار غنی و پربار در طول تاریخ بوده و نخستین تمدن‌های باستانی، چند هزار سال پیش از میلاد در عراق بنیاد گشت. در طول سالیان متمادی نیز ارتباطات فرهنگی ایران و عراق بسیار زیاد بوده و تا چندصد سال اخیر این دو کشور یک سرزمین محسوب می شدند. از آن مهمتر مردم هر دو کشور دارای علاقه و اعتقادی راسخ به اهل بیت هستند.

۲- بدانیم خیلی از نواقص و ایرادات، مشکلات فرهنگی و اجتماعی ها و ... ریشه

در ظلم و جور علیه این ملت در این صد سال گذشته دارد. عراق و مردم عراق در یک صدسال اخیر سرگذشتی تلخ، غم بار و پر از مظلومیت ها و رنج ها داشته اند و به علت دژخیمی های جنایتکارانه حزب بعث، انگلستان و آمریکا از بسیاری از پیشرفت های معنوی و مادی بازماندند. با شروع اشغال عراق توسط آمریکا نیز، علاوه بر نابودی عامدانه زیرساخت های مادی و صنعتی، افراد زیادی کشته و بی خانمان گشتند و بر فقر مادی و معنوی این کشور افزوده گشت.

۳- بدانیم حضورمان در پیاده روی و تلاش برای تقویت پیوند های رفاقتی-

محبتی چه نقش بزرگی بازی خواهد کرد. عراق و مردم عراق در دوره صدام تحت تأثیر فضای ضد ایرانی شدیدی بودند. پس از اشغال عراق توسط آمریکایی ها نیز فعالیت های شدیدی با هدف ایجاد شکاف بین این دو ملت آغاز شد و فضای ایران هراسی شدیدی از سوی صدها ماهواره و بوق های تبلیغاتی غرب القاء می شود.

۱-مردم عراق عموماً مردمی احساسی، عاطفی، گرم و خاکی بوده و زود تحت تأثیر قرار گرفته و به راحتی با مخاطبشان – به خصوص اینکه مخاطبشان شیعه باشد- دوستی برقرار می کنند.

۲-مردم عراق به واسطه اهل البیت بسیار کریم و مهمان نوازند تا حدی که شاید نمونه ی آن را فقط در عراق و در پیاده روی بتوان مشاهده کرد.

۳-مردم عراق ذاتاً مردمی عزّت مند و دارای غروری والا و اسلامی بوده اند که در دوره بعث، این عزّت لگدمال و جریحه دار شد. اشغال عراق توسط این کشور نیز فی نفسه این عزّت و غرور را بیش از پیش خدشه دار کرد.

۴-مردم عراق نسبت به اهل بیت و شعائر اسلامی غیور هستند. در سوریه جوانان زیادی از شیعیان عراقی برای دفاع از مرقد حضرت زینب و حفظ خط مقاومت در حال جنگ با عوامل وهابی صهیونیست ها هستند.

۵-مردم عراق علاقه زیادی به ایرانی ها دارند و همچنین آگاهی خوبی از وضعیت سیاسی اجتماعی ایران دارند. از سویی عموماً- حتی آنهایی که مخالف ایران هستند- اعتقاد دارند ایران کشوری پیشرفته، امن، قوی، زیبا و به قول خودشان قاره ای محسوب می شود.

۶-مردم عراق در این چند سال با موجی از ناامیدی و عدم خودباوری مواجه بوده اند. این امر در جوانان عراقی نمود بیشتری داشته و آرمانخواهی در روحیه آنان به ندرت دیده می شود. کشور عراق برای تبدیل شدن به متحد قدرتمند ایران نیاز به جوانانی دغدغه مند، با امید، خودباور و آرمانخواه دارد.

نتیجه گیری و جمع بندی عملیاتی

ایجابی	سلبی
عزت بخشی و تقویت غرور اسلامی مخاطب با استفاده از جملات مناسب و عزت بخش، یادآوری رشادت های مردم عراق علیه صدام، حضور جوانان عراقی در سوریه، تأکید بر شخصیت های برجسته علمی و جهادی عراق و ..	دور ریختن اوهام و تصوّرات نابجا در مورد مردم عراق. شرایط سخت و محنت باری که در طول ده ها سال بر مردم عراق رفته را در نظر بگیرید. به صورت منطقی با اشکالات و ضعف ها و نواقص فرهنگی اجتماعی اقتصادی عراق روبرو شوید.
زنده کردن روح اعتماد، امید، خودباوری، شخصیت و شجاعت در برادر عراقی. از شجاعت عراقی ها در انتفاضه شعبانیه، از لزوم پیشرفت عراق و آبادانی آن سخن بگوئید و ...	دوری از برخورد پدارنه، تحکم آمیز و از موضع بالا. با توجه به دژخیمی ها و جنایات صدام، عراق دارای ضعف ها و عقب ماندگی های مختلفی نسبت به ایران است. این مسئله نباید باعث برخورد از موضع بالا شود.
تشویق صفات نیک و پسندیده مخاطب. صفات و خصلت های نیکشان مثل کرامت و مهمان نوازی شان را بستانید،	
ما برای فتح قلوب آمده ایم نه لزوما برای تغییر افکار و اندیشه ها به طور لحظه ای و آنی! بنابراین باید مدنظر قرار دهیم که هر فرصت و ایده و ابتکاری که به خرج می دهیم بر همین مبنا است و مهمترین هدف از ارتباطات و تعاملات تقویت پیوندهای برادری و محبت است.	
اعتماد به نفس به خرج داده و با دوری از هرگونه انزوا و با اعتماد به داشته های قلیل عربی تان فعال باشید. این جزوه به شما کمک می کند تعاملی سازنده با مخاطب داشته باشید.	
با یک جمله تشویقی، با یک نگاه محبت آمیز، با یک هدیه جرقه بزنید.	
پیامبر خدا(ص): به یکدیگر هدیه دهید، تا دل هایتان نسبت به هم با محبت شود.	

- ۱- پیش قدم بودن در سلام و علیک و احوال پرسى! سعی کنیم در سلام و علیک ها همیشه پیش قدم باشیم. با سلام مان یک سبد گل و خنده در طول مسیر به برادران مان هدیه دهیم.
- ۲- **موتور گفتگویتان را راه بیاندازید! استفاده از همه فرصت های پیاده روی!** تقریباً ۳ روز طول خواهد کشید که از نجف به کربلا برسید. برای ایجاد برادری و اخوت اصلاً نیاز نیست مسلط به عربی باشیم. با همان عربی ناقص و ضعیفمان با برادرانمان طی طریق کنیم و حول فلسفه قیام عاشورا، لزوم تقویت برادری و محبت در امت اسلامی، مشکلات جهان اسلام، اوضاع ایران و عراق و ... گفتگو کنیم
- ۳- **جویای احوال هم طریق بودن!** همان گونه که در طول پیاده روی جویای حال هم طریق ایرانی تان هستید جویای حال هم طریق های عراقی خود باشید، از وضعیت شان اطلاع حاصل کنید و از شان بپرسید چیزی احتیاج دارند و یا خیر
- ۴- **تعارف چای و یک تکه بیسکویت!** محل خوبی برای باز کردن یک تعامل طولانی در طول مسیر خواهد بود خواندن دودمه های دسته جمعی، گفتگو و صحبت، عکس یادگاری گرفتن، خواندن زیارات مأثوره، فرستادن فایل های روی گوشی، پرسیدن ساعت، خواندن نماز جماعت و ...
- ۵- **دوربین عکاسی تان!** یک عکس یادگاری خوب می تواند بیانداز! در میله شماره ۳۱۳، یک عکس یادگاری با هم طریق تان بیاندازید. به ایران که بازگشتید عکس را برای وی بفرستید.
- ۶- **دفترچه کوچک و قلم تان!** می تواند ابزار خوبی برای خاطره نویسی و مشاهدات تان از فرهنگ مردم عراق، اتفاقات و خاطرات طول پیاده روی و بایگانی شماره ها و آدرس فیسبوک هایی باشد که از برادران عراقی تان گرفته اید.
- ۷- **شماره تلفن و فیسبوک بدهید و بگیرید** **علیکم بالاستمرار فی الارتباط!!!** فیسبوک پربازدید سایت عراقی ها ست. پس از بازگشت به ایران حتماً با او تماس بگیرید و هر از گاه با او در ارتباط باشید. استمرار این ارتباط روزهای شگفت انگیزی را برای شما به دنبال خواهید داشت! اگر آدرس فیسبوک ندارید **facebook.com/iraqiran14** را معرفی کنید. پس از بازگشت به ایران به همین آدرس پیام بفرستید تا ارتباطتان برقرار شود.

ارتباط در یک صفحه!

سلام و علیک	احوال پرسى		سَلَامَ عَلَیْکُمْ یَا حَبِیْبِی! اِشْلُوْنِک؟ زَیْن اِنْشَالَلّٰه؟ سلام دوست من. چطورِه حالت؟ خوبی ایشالا؟	
			سَلَامَ عَلَیْکُمْ اَقَاتِی! شِسْمَک الْکَرِیْم؟ سلام علیکم آقای من. اسم کریمت چیست؟	
	وقت به خیر	سلام علیکم! صباح الخیر یا حبیبی سلام دوست من صبحت بخیر	تصبح علی خیر حبیبی شبت به خیر	
	خسته نباشی	ما تَعِبْتُ! خسته نباشی	الله یساعدک خدا کمکت کنه!	
	تعارف غذا و نوشیدنی	تَفْضَل شای یا حبیبی بفرما چای دوست من		
		اِشْرَب مای بارد حبیبی آب سرد بنوش دوست من		
	پرسش از احتیاجات	تَحْتَاج شِی؟ چیزی احتیاج داری؟	تَأْکُل شِی؟ چیزی می خوری؟	
		حَبِیْبِی اِنْتَ مَوْ تَحْتَاج شِی؟ دوست من چیزی احتیاج نداری؟		
	عزّت و امید بخشی	اِنْتَ وُسامَ الْفَخْرِ وَ الْعِزَّة تو نماد افتخار و عزت هستی		اِحْنا نَفْتَخِر بِکُمْ وَ سَنَبْقِی مَعْکُمْ
		اِنْتو فِی قُومِ الْعِزَّة شما(عراقی ها) در قله های عزّت هستید		اِحْنا الایرانین اِنْحِبْ شَعْب الْعِراق
جَدّا اِنْتو فِی الْقُومِ الْکَرَامَةِ جدا شما در قله های کرامت هستید		اِنْتَ جَدّا کَرِیْم تو جدا کریم هستی		
اِنْتُمْ ناس شَجْعا شما مردمی شجاع هستید		اَنِی ما شِفْتَ مِثْل کَرامَتِکُمْ فِی کُل الْعالم من مانند کرامت شما را در کل عالم ندیدم.		
تشکر کردن تداوم ارتباط	مأجورین انشالله ماجور باشی	عفی علیک آفرین		خلاقیت به خرج دهید و جمله سازی کنید!
	حَیاک الله زنده باشی	شکرا یا حبیبی		
	أترید شِی من ایران؟ چیزی از ایران می خوای؟	وین بیتکم؟ خانه ات کجاست؟		
	عندک فیسبوک؟	شُئو رَقْمِک؟		



۱- شهید الاول شهید السید محمدباقر الصدر

- زمینه ساز تأسیس حزب الدعوة اسلامی
- به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی»
- برگزاری راهپیمایی در بسیاری از شهرهای عراق در حمایت از انقلاب اسلامی
- شهادت: به همراه خواهرشان بنت الهدی صدر ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۹ فروردین ۱۳۵۹) زیر شکنجه

شهید صدر مورد احترام تمامی جریانات عراقی است. ایشان به عنوان متفکری عمیق و مبارز در عراق شناخته میشود. در صحبت با مخاطبین عراقی می توان با ذکر ویژگی های شهید صدر همچون عزّت و ظلم ناپذیر بودن ایشان این مولفه ها را پررنگ کنیم. مثلاً دو جمله ایشان در مورد امام خمینی:

۱- ذوبوا فی الامام کما هو ذاب فی الاسلام

۲- أن أكون بقّالاً في شیراز في ظلّ حكومة الإمام الخميني أحبّ إليّ من مرجعيّة السيّد أبو الحسن الإصفهاني في ظلّ حكومة صدام...



۲- الشَّهِيد الثَّانِي الشَّهِيد السَّيِّد مُحَمَّد صَادِق الصَّدْر

- پدر معنوی تبار الصدري (جریان صدر)
- احیاکننده نماز جمعه در عراق در دوران حاکمیت صدام
- استفاده از گفتمانی انقلابی، ضد امریکایی، ضد غربی، ضد بعثی و حتی ضد حوزه علمیه برای جذب اقشار فرودست
- پدر طبقات مسضعف و اقشار فرودست جامعه عراق

به مرجعیت رسیدن ایشان محل اختلافات اساسی در بین جریان های شیعی گردید. ایشان از فرصتی که صدام برای اسلامی جلوه دادن نزاع خود با آمریکا پیش آورده، استفاده کرده و از آن برای ایجاد خیزشی در میان مردم استفاده کردند. این امر انتقادات بزرگی را نسبت به ایشان داشت. شهید حکیم و گروه های نزدیک به ایران عمل شهید صدر را هماهنگ با اهداف صدام تلقی می کردند.

عموما طبقات مستضعف شیعه عراق طرفدار ایشانند. معمولا بیشترین عکسی که در عراق از کسی بتوان در جای جای عراق دید عکس ایشان است. خیلی ها وی را همچون پدر می دانند. می گویند در شرایطی که می توانست عراق را ترک کند، اینکار را نکرد و غمخوار مردم فقیر و محروم عراق گردید

۳- الشَّهِيد السَّيِّد مُحَمَّد بَاقِر الْحَكِيم:

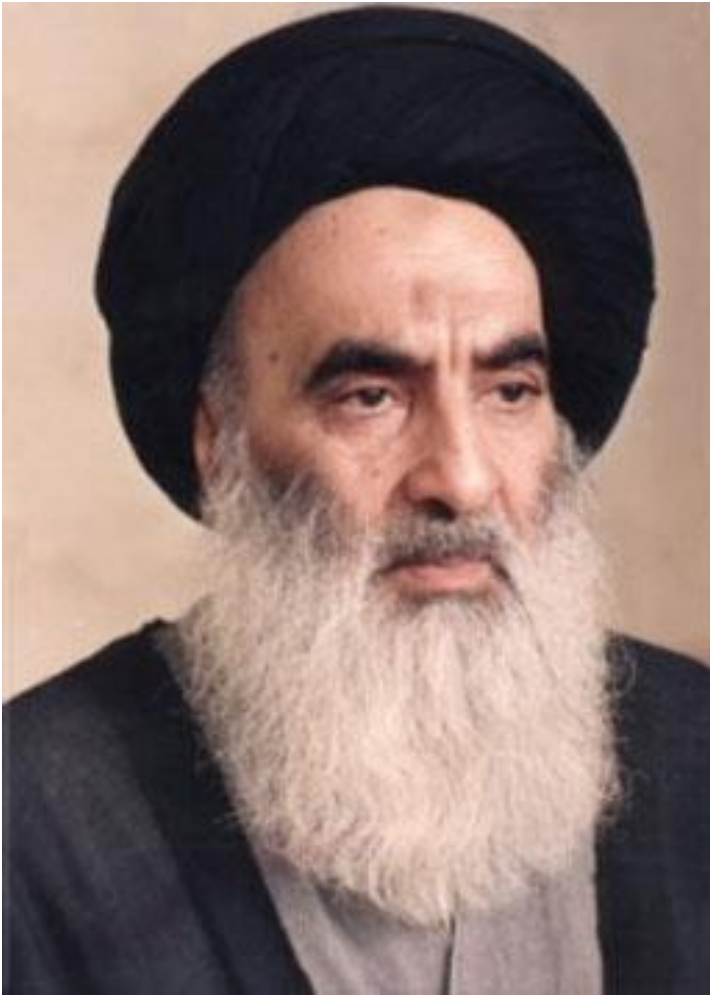


- رهبر و مؤسس مجلس اعلاى انقلاب اسلامى
- نقش ویژه در ساماندهی مجاهدان عراقى و تشکیل «سپاه بدر» و نقش تأثیر گذار این سپاه در پیشبرد جنگ ۸ ساله به نفع انقلاب اسلامى
- معتقد به ولایت فقیه و اعتقاد به غمخواری و همیاری انقلاب اسلامى با مردم عراق

اکثریت مردم عراق به خصوص مقلدان آقای سیستانی، مقام معظم رهبری، آقای حائری ایشان را رهبر عراق می دانند و اعتقاد دارند ایشان بیشترین خدمات را در راه مردم عراق داشته و فردی مجاهد، مبارز و دلسوز برای عراق می بوده است. تنها در بخشی از طرفداران تند جریان صدر ایشان را به علت اینکه در دوران صدام ترک وطن کرده و به صورت ظاهری در بین مردم عراق نبوده است - بر خلاف شهید سید محمد صادق صدر که در عراق بوده و همانجا شهید شده- و همچنین از سویی چون ایشان شهید محمد صادق صدر را جز دستگاه صدام می دانسته مماشات می کنند و اعتقاد دارند که ایشان کمکی به مردم عراق نکرده و صرفا فعالیت سیاسى و نمادین در ایران داشته است. ایشان پس از شهادت شهید سید محمد صادق صدر توسط صدام ایشان را شهید دانستند و از نظرشان برگشتند.

۴- آیت الله العظمی سیستانی:

- از مراجع و علمای بزرگ شیعه و زعیم حوزه علمیه نجف
- مبرز ترین شاگرد آیت الله خوئی
- اعتقاد به عدم دخالت در امور سیاسی و تلاش در حوزه جهت گیری های کلی جریان اسلامی و شیعی در عراق
- دارای بیشترین مقلدین در کشور عراق و دارای احترام و نفوذ در بین همه قباایل، گروه ها و جریانات سیاسی



ایشان به ظاهر در حکومت دخالت نمی کنند اما رهنمودهای سیاسی و موضع گیری های ایشان در قبال اتفاقات اساسی عراق من جمله تدوین قانون اساسی راهگشای امور سیاسی در عراق بوده است. در دوران اشغال عراق توسط آمریکا ایشان معتقد به مبارزه سیاسی برای رفع اشغالگری عراق بوده اند. طبق معمول ایشان در بدنه طرفداران جریان صدر از محبوبیت برخوردار نیست. محل سکونت ایشان در خیابان شارع الرسول و در پنجاه متری حرم امیرالمومنین است. با اینحال چندین سال است که به حرم مشرف نشده اند. از جملات ایشان در مورد رهبر انقلاب: آنی و فی کل لیلۃ بجوار مرقد الطاهر لأمریرالمومنین(ع) أدعوا لقائد الثورة الإسلامية العظیم سماحة آية الله الخامنئی. إلتزموا دائما السیر خلف قائد الثورة و كونوا حماة ولاية الفقيه. اليوم عزة الاسلام مرهونة بعزة الجمهوری الإسلامية و عزة الجمهورية الإسلامية مرهونة بعزة السید الخامنئی

۵- المرحوم السيد عبدالعزيز الحكيم:



- برادر کوچکتر شهید سید محمد باقر حکیم
- انتخاب از سوی شورای مرکزی مجلس اعلا به عنوان رهبر مجلس اعلا پس از شهادت شهید حکیم
- فوت در سال ۲۰۰۹ در تهران به علت عارضه سرطان ریه
- پیشه کردن سیاست انعطاف، تعامل و تسامح نسبت به حضور آمریکایی ها در عراق و اعتقاد به مبارزه سیاسی برای پایان اشغال عراق

انعطاف نظری که ایشان در سیاست و تعامل با آمریکایی ها داشتند خیلی ها را به این خطا انداخته بود که ایشان موافق سیاست های عراق در آمریکا هستند و به همین دلیل طیف جریان صدر نگاه مثبتی به ایشان ندارد. عکس هایی که از دیدار ایشان با جرج بوش و دست دادن با وی منتشر گردید از محبوبیت ایشان در بین مردم عراق و ایران کاست.

هر چند ایشان نیز دارای محبوبیت در بین بدنه مردم عراق هستند اما این محبوبیت خیلی کمتر از محبوبیت برادر مرجع شان شهید حکیم است.

۶- السید مقتدی الصدر:



- فرزند شهید سید محمد صادق صدر و داماد شهید سید محمد باقر صدر
- رهبری جریان صدر در حال حاضر
- اعلام کناره گیری از سیاست در اواخر سال ۹۲
- دارای پایگاه اجتماعی، حوزه نفوذ و طرفداران زیاد در بدنه اقشار مستضعف و پائین دست عراق
- معتقد به حل نظامی و جهاد علیه اشغال گران آمریکایی

پس از اشغال عراق توسط آمریکا دست به تشکیل سپاه المهدی - جیش المهدی - زد و در هنگامی که همه جریانات شیعی معتقد به حل سیاسی اشغال عراق بودند او به مبارزه نظامی با نیروهای آمریکایی پرداخت. سابقا مواضع تندی نسبت به ایران داشته است که در حال حاضر تعدیل شده است.

پایگاه اجتماعی بسیاری قوی اش در عراق به دو دلیل است یکم محبوبیت پدرش در بین قشر مستضعف و محروم عراق و دوم رویکرد جهادی اش نسبت به اشغال عراق توسط آمریکا. از نظر سیاسی یکی از جریانات تأثیر گذار عراق به شمار می رود. اکثر مردم فقیر، مستضعف و طوایف فرودست طرفدار مقتدی صدر می باشند و او را قائد خود می دانند. طرفداران جریان صدر علاقه زیادی به سید حسن نصرالله را قهرمان و بطل می دانند. در برخورد با طرفداران جریان صدر باید مقاومت و جنگ شان علیه آمریکایی ها تأکید کرد و در ثانی با توجه به نگاه بسیار مثبت شان به سید حسن نصرالله از این طریق برای نزدیک شدن به آنها گام برداشت.



۷- السید عمار الحکیم:

- فرزند سید عبدالعزیز حکیم
- رهبر مجلس اعلا تا به اکنون پس از فوت سید عبدالعزیز حکیم
- رهبر ائتلاف الموطن (شهروند) در پارلمان عراق
- صرف اکثر سال های زندگی و دوران تحصیل در ایران و مدارس ایرانی

ایشان نیز همچون سید مقتدی صدر در بین بدنه مردم عراق دارای محبوبیت هستند و از نظر سیاسی دارای قدرت زیادی در حکومت این کشور است. تحرکات سیاسی ایشان و موفقیت های مجلس اعلا در انتخابات گذشته پارلمان های استانی و پارلمان کشوری نشان از سیاست و درایت ایشان دارد. اغلب در بین بدنه جریان صدر ایشان طرفداری ندارد. در اغلب کنفرانس های برگزار شده بیداری اسلامی در ایران جزء سخنرانان و مدعوین اصلی بوده است.

متنی که در پیش رو می آید در واقع فشرده ای مکالمه محور و موقعیت محور از لهجه عراقی است. قطعاً نمی توان انتظار داشت با خواندن این جزوه به لهجه عراقی مسلط می شوید، اما این جزوه دریچه ای کوچک برای تعامل سازنده تر شما با برادران عراقی تان و زمینه ساز یادگیری این زبان خواهد بود.

یاد گرفتن زبان عراقی فقط سه راه حل دارد. آن هم اعتماد به نفس داشتن، صحبت کردن و ممارست داشتن است. فعال بودن در طول مسیر، ارتباط گیری و تعامل محور اصلی شما در یادگیری عربی عراقی خواهند بود.. نگارنده این جزوه نه هیچ گونه کلاس لهجه عراقی رفته است و نه هیچ گونه مطالعه تخصصی برای یادگیری این زبان داشته است، اما هر بار که به سفر زیارتی مشرف شده است سعی کرده با داشته های اندکش بدون هیچ گونه خجالت و ترس از اینکه بگویند چقدر زبان عربی اش غلط، غلوپ است به صحبت و گفتگو پرداخته است.

در طول مسیر با استفاده از این جزوه و بکار بردن مهارت های زبانی دبیرستان (قواعد دستوری) به صحبت کردن بپردازید. در این جزوه ۹ بسته مکالمه آماده، ۴ بسته جدول عبارات، ۴ بسته جدول قواعد و ۲ بسته جدول ارقام و افعال به شما کمک خواهند کرد تا بتوانید ارتباط بهتر و تعامل دقیق تری بگیرید و زبان لهجه عراقی تان تقویت شود. در جدول ها موقعیت های مکانی و صحبت ها به همراه نحوه تلفظ صحیح شان و در خانه های روبرویی جواب مخاطب نیز آمده است. این جزوه صرفاً کارکرد آشنایی و استفاده کردن آموزشی عبارات در موقعیت های مشابه است. برای استفاده بهتر از این جزوه سعی کنید اول یک مکالمه را بخوانید بعد آن را حفظ کنید، سپس به سراغ یک بسته قواعد و یک بسته عبارت بروید. و دوباره بازگردید و بسته مکالمه دیگری را انتخاب کنید

سلام و احوال پرسى اوليه با حاتم			مکالمه ۱	
عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه		
علیرضا: سلام عليكم	Selamo Alaykom	سلام عليكم	۱	حاتم: حاتم:
	Alaykomos'salam	عليكم السلام		
علیرضا: إشلونک؟	Eshlonak?	حالت چطوره؟	۲	حاتم: حاتم:
	Shokran. Enta Eshlonak?	ممنون. تو چطوری؟		
علیرضا: آنی زین الحمدلله. شِسْمُکْ أَلْکَرِیم؟	Ani Zi'yen Elhamdolella. Shesmok-alkarim?	من خوب هستم الحمدلله. اسم شریف چیه؟	۳	حاتم: حاتم:
	Ani Hatam. Enta Sheno Esmok?	من حاتم هستم. اسم تو چیه؟		
علیرضا: إسمی علیرضا. من وین إنت؟	Esmi Alireza. Ani Men Teheran. Enta Men Veyn?	اسم علیرضا است. من تهرانی ام. تو اهل کجایی؟	۴	حاتم: حاتم:
	Ani Men Basra. Meniyein Enta? Ahlan va Sahlan Fel-Iraq	من اهل بصره هستم. خوش اومدی به عراق		
علیرضا: شکرا. آنی من طهران.	Shokran. Ani Men Tahrn	ممنونم. من اهل تهرانم.	۵	حاتم: حاتم:
	Tafaz'zal Esterih. Teshreb Ma' Bared ow Shay?	بفرما بنشین. آب سرد یا چای می نوشی؟		
علیرضا: شکرا. ئی بس ماء حبیبی. شکو ماکو الیوم؟	Shokra. Ey Bas Ma' Habibi. Shako Mako Elyom?	بله. فقط آب. ممنون. چه خبر؟	۶	حاتم: حاتم:
	Ala Eyni. Mako Shi Elyo	بروی چشم. خبری نیست امروز.		
علیرضا: رحم الله والديک. فیمانلا	Rahema-Ila Valediyak. Fimanella	خدا پدرمادرت رو بیامرزه. خداحافظ	۷	حاتم: حاتم:
	Karaji Yamma-s'saha	خدا به همراست. خداحافظ.		

مکالمه ۲		گرفتن تاکسی در مرز مهران و صحبت با راننده		
		عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم آقاتی	Selamo alaykom aghati	سلام آقای من
	سائق:	علیکم السلام مولای	Alakomo's'salam	سلام علیکم مولای
۲	علیرضا:	آرید أروح النجف!	Arid Aroh En'najaf	می خواهم بروم به نجف!
	سائق:	علی عینی. تفضل	Ala Ayni. Tafazzal	بروی چشم. بفرمائید
۳	علیرضا:	إشکدَ الأجرة؟	Eshgad Elojra?	چقدر میشه کرایه؟
	سائق:	خمس - طعش آلاف	Khames-Ta'ash Alaf	۱۵ هزار دینار
۴	علیرضا:	هاذی هوایه! بس اربع - طعش آلاف دنانیر. خوش؟	Hazi ehwaye! Bas Arba'-Ta'ash Alaf Dananir. Khosh?	خیلی زیاده. فقط چهارده هزار دینار. خوبه؟
	سائق:	میخالف. تفضل	Maykhalef. Tafazzal	مشکلی نیست. بفرمائید.
۵	علیرضا:	من فضلك! إفتح الشبّاح	Men fazlek! Eftahe - El'shobbach	لطفا پنجره رو باز کن
	سائق:	علی عینی.	ala yani. men veyn?	بروی چشم. اهل کجایی؟
۶	علیرضا:	شکرا. تُعرف وین ساحة الثورة العشرین؟ آنی أنزل هناک.	Shokran. Tow'rof Veyn Sa'hata-l'eshrin? Ani Anzel Honak.	ممنون. می دونی میدان ثورة العشرین کجاست؟ من آنجا پیاده می شم.
	سائق:	علی عینی. اشلون العراق؟	Ala Ayni. Eshlon-aliraq?	خوش آمدی به عراق. من نجفی هستم.
۷	علیرضا:	شکرا. کلّش زین. بس جوء حارّ جدّا. هاک الاجرة	Shokran. Kollesh ziyen. Bas Jo' Harr jedda. Hak alojra.	رسیدیم. بفرمائید اجرت را بگیر. خدا پدر مادرت رو بیامرزه
	سائق:	شکرا.	Shokran.	ممنونم.

مکالمه ۳		سلام و احوالپرسی در شهر نجف و پرسیدن مسیر پیاده روی از برادر عراقی		
		عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم! مساء الخير	Selamo alaykom! Masa-Alkheir	سلام علیکم. عصر بخیر
	وسام:	علیکم السلام! مساء النور	Alaykomos'salam! Masa-An'nour	سلام علیکم. عصر بخیر
۲	علیرضا:	شِسْمَکَ الْکَرِیم؟	Shesmak Alkarim?	اسم شریف ت چیه؟
	وسام:	إِسْمِی وَسَام. إِنْتَ شِنُو إِسْمُک؟	Esmi Vosam. Enta Shono Esmok?	اسم من وسام هست. اسم تو چیه؟
۳	علیرضا:	آنی علیرضا. إِسْمُکَ حِلْوَة. إِنْتَ «وَسَام» الْفَخْر وَ الْعِزَّة يَا وَسَام!	Ani Alireza. Esmak Helowa. Enta Vosam- alfakhr Va-lezza ya Vosam	من علیرضا هستم. اسمت زیباست. تو «نماد» افتخار و عزت هستی ای وسام!
	وسام:	شکرا یا حبیبی. من وین إِنْتَ؟	Shokra ya Habibi. Men Veyn Enta?	ممنونم. تو اهل کجایی؟
۴	علیرضا:	إِنِّی مِنْ مَحَافِظَةِ مَازَنْدَرَان. إِنْتَ مِنْ وِین؟	Ani Men Mohafezat mazandaran. Enta Men Veyn?	من. از استان مازندران هستم. تو اهل کجایی؟
	وسام:	اهلا و سهلا. آنی من نجف. وین تروح؟	Ahlan va sahlán. Ani Men Najaf. Veyn'etroh	خوش اومدی. من اهل نجفم. کجا میری؟
۵	علیرضا:	شکرا. أَرْوَحُ لَزِيَارَةِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ بِالْمَشْيِ! تُعْرِفُ وِینَ الطَّرِيقَ الْمَشَايَةِ؟	Shokran. Aroh Leziyarata-l-Emam- Alhossein belmash'ye! Tow'rof Veyn At'tarigh Almash'shaye?	می روم به زیارت امام حسین به صورت پیاده. می دونی کجاست مسیر پیاده روی؟
	وسام:	الله يثبِت أَقْدَامَكَ! الطَّرِيقُ مِنْ هِنَا.	Allah Yosabbet Aghdamek! At'tarigh men Ehna!	خدا ثابت قدم نگهدارت! مسیر از اینجاست
۶	علیرضا:	شکرا. إْحْنَا نَفْتَخِرُ بِ شَعْبِ الْعِرَاق.	Shokran. Ehna Naftakher be Sha'ba-l- Iraq.	ممنون ما به مردم عراق افتخار می کنیم.

	وسام:	حبیبی! إنتو إخواننا. احنا نحبکم کثیر.	Habibi! Ento Ekhvanona. Ehna Nohebbok Kasir	حبیبی! شما برادران ما هستید. ما شما ایرانی ها را خیلی دوست داریم.
	علیرضا:	تَشَرَّفنا. مع السَّلامَة	Tashar'rafna.	خوشبخت شدم. خدا حافظ
۷	وسام:	ولناشَرَف. اسئلك الدعاء. إلى اللقاء	Velnashar'raf. As'aloka-d-doa. Elal'leqa'	خوشبخت شدم. دعایم کنم. به امید دیدار

مکالمه ۴			صحبت با احمد دانشجوی دانشگاه اسلامی نجف در موضوع ارتباطات فرهنگی دانشجویان ایران و عراق	
		عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم حبیبی!	Selamo alaykom! Habibi	سلام علیکم حبیبی
	احمد:	علیکم السلام مولای!	Alaykomos'salam Molay	سلام علیکم مولای
۲	علیرضا:	مِنْ فَضْلِكَ! وَین قُنْصُولِیةِ الْإِیرَانِیةِ؟	Men fazlek. Veyn Alghonsoliyata 'aliraniya?	با تشکر کنسولگری ایران کجاست؟
	احمد:	القنْصُولِیةِ فِی شَارِعِ الْإِمَامِ الْعَلِیِّ. یَمَّ الثَّوْرَةِ الْعَشْرِینَ کَدَّامِ الْجَامِعِ	Alghonsolia fi Share' Al-imam Ali. Yamma-S- sorata-l-eshrin. Gheddam Aljame'	کنسولگری در خیابان امام علی کنار میدان ثوره العشرین و جلوی مسجد ه.
۳	علیرضا:	من فضلك! وَین الْجَامِعَةُ الْإِسْلَامِیةِ بِالنَّجَفِ؟	Men Fazlek! Veyn Eljame'ata-l- Eslamiya Ben'najaf?	با تشکر! دانشگاه اسلامی نجف کجاست؟
	احمد:	الْجَامِعَةُ الْإِسْلَامِیةِ فِی بَدَايَةِ شَارِعِ ب جَنْبِ السَّاحَةِ الْمِیدَانِ.	Aljame'a Aleslamiye fi Bedayat. Be Janba-s-sahata-l- meydan	دانشگاه اسلامی در ابتدای خیابانه و کنار میدان المیدان
۴	علیرضا:	شکرا حبیبی	Shokrab Habibi	ممنون دوست من
	احمد:	عفووا	Afwan	خواهش می کنم.
۵	علیرضا:	تُعْرِفْ وَین الْمَکْتَبَةُ الدَّارِ السَّلَامِ ؟	To'rof veyn Almaktabata'al- darassalam?	می دونی کتابفروشی دارالسلام کجاست؟
	احمد:	نَی. رُوح مَنَا. الْمَکْتَبَةُ یَمَّ الْجَامِعَةِ الْإِسْلَامِیةِ. مِنْ وَین إِنْتَ؟	Ei.Roh Menna Al- maktaba yamma'ljame'a al- eslamie. Men Viyen Enta?	بله. از اینجا برو. کتاب فروشی کنار دانشگاه اسلامی. اهل کجایی؟؟
۶	علیرضا:	آنی من طهران. إِنْتَ مِنْ وَین؟ شِسْمَکَ الْکَرِیمِ؟	Ani Men Tehran. Enta Men viyen? Shesmoka-Alkarim	من اهل تهرانم. تو اهل کجایی؟ اسم ت چیه؟

	احمد:	آنی من نجف! إسمی احمد. شُنو إسمک؟ إش تشتغل؟	Ani Men Najaf! Esmi Ahmad. Shono Esmak? Esh Teshteghel?	من اهل نجفم و اسمم احمده. اسم تو چیه؟ شغلِت چیه؟
	علیرضا:	آنی علیرضا. طالب جامعی.	Ani Alireza. Taleb Jame'i	من علیرضا هستم. دانشجوی دانشگاهم.
۷	احمد:	آنی طالب بالجامعة الاسلامیة. شی تُدرس؟	Shi Todros? Ani Taleb Bejame'ata- l-eslamiya	چه می خونی؟ من دانشجوی دانشگاه اسلامی هستم
	علیرضا:	آنی أدرس فی هندسة الفضاء. الله یسلمک. أنا و أنت مسلم و إحنا جامعی! لیش ماموجود بیننا العلاقات؟ شُنو رقمک؟	Ani Adros fi Hendesat-alfaza. Alla Yosalle mok. Ana va Anta Moslem va Ehna Jame'i! Liyesh Ma mojod Baynana al- elaghat? Shono Raghmek?	من مهندسی هوافضا می خوانم. خدا سلامت داردت. من و تو مسلمان هستیم و دانشجوییم چرا بین ما نباید ارتباطات و تعاملات وجود داشته باشه؟ شمارت چنده؟
۸	احمد:	خوش فکرة حبیبی. لازم لنا أن نلتفی و أن نحچی حول العلاقات الثقافية الطلابیة. هاذا رقمی ۲۲۲۲- ۰۷۸۹-۱۱۱ اگِلك إنت موجود فی الفیسبوك؟	Khosh fekra habibi. Laze Lana An naltaghi va An Nahchi Hol-el- elaghat- asseghafiya- attolabiye. Haza raghmi. Agellak Enta mojud fel- facebook	خیلی فکره خوبیه. بر ما لازمه که در مورد ارتباطات فرهنگی دانشجویی صحبت کنیم. این شماره منه. راستی می گویم که فیسبوك هستی؟
	علیرضا:	ای. هذی صفحتی fb.com/iraqiran انشالله أخبارک. اشوفک بعدین. الله معک	Ey! Hadi Safhati.Ensha'allah Okhaberek. Ashofak Ba'diyen. Alla Ma'ak.	بله. این صفحه ی منه تو فیسبوك. انشالله باهات تماس می گیرم و بعدا می بینمت. خدا به همراهات
	احمد:	مع السلامة	Ma'asalama	خدا حافظ

مکالمه ۵		یک صبح سرد به همراه یک چای گرم، ۵۰ متری حرم امیرالمومنین در شارع الرسول		
		عبارت های مکالمه	تلفّظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم. صباح الخیر	Selamo alaykom! Sabah-Alkheir	سلام آقای من
	ابوشای:	علیکم السلام! صباح النور	Alaykomos'salam! Sabah-Annour	سلام علیکم مولای
۲	علیرضا:	اشلونک یا حبیبی؟ شخبارک؟	Eshlonak ya Habibi?Shekhbarek?	حالت چطور؟ حالت چطور؟
	ابوشای:	الحمدلله. آنی زین. انت اشلونک؟ تَشْرِب شای؟	Alhamdolillah. Ani Ziyen. Enta Eshlonak? Teshreb Shai?	شکر الحمدلله. من خوبم. تو چطوری؟ چای می خوری؟
۳	علیرضا:	بییش هاذا؟	Biyyesh haza?	چنده؟
	ابوشای:	میتین و خمسین. بس ل اوّل مرة بلاش!	Mit'tiyeno Khamsin Bas aval shai belash	۲۵۰ دینار ولی اولین مرتبه مجانی ه!
۴	علیرضا:	شکرا حبیبی.	Shokran Habibi	ممنون
	ابوشای:	هله بک	Hala Bek	نوش جونت
۵	علیرضا:	شکو ماکو بالنجف؟ اشلون الاوضاع؟	Shako Mako Ben'najaf? Eshlon Al-oza?	چه خبرا در نجف؟ اوضاع چطوره؟
	ابوشای:	ماکوشی الیوم. اوضاع خرابانه ب بغداد بس بالنجف زین الحمدلله	Mako shi alyom. Oza kharban be Baghdad. Bas be'nnajaf ziyen alhamdolelah	خبری نیست. در بغداد اوضاع خرابه. ولی نجف خوبه اوضاع الحمدلله.
۶	علیرضا:	چم سنة من عمرک؟	Cham Sena Men Omrok?	چند سالت؟
	ابوشای:	اثنین و عشرين. انت من وین؟ بَعْد شای؟	Esniyeno eshrin. Enta men veyn? Ba'ad shai?	۲۲ سال.
۷	علیرضا:	ای. بَعْد وَحْدَة	Ey ba'ad vahda	آره. یک دونه دیگه.

ابوشای:	علی عینی. اگَلکِ اِشلونَ اوضاع سیاسی ب ایران؟ سید روحانی زین؟	Ala Ayni. Agellak Eshon Oza' Siayasiya be iran? Sayyed Rohani Ziyen?	بروی چشم. می گم که اوضاع سیاسی در ایران چگونه؟ روحانی خوبه؟
علیرضا:	الحمد لله کلشی زینین. سید روحانی شخص ذکیا و استراتیجیته هو تطویر البرنامج النووي عن طريق الدبلوماسية و فشل العقوبات باستخدام جهد عالمي.	Kolshii Zeynin. Sayyed Rohani Shakhes Zakiyan fi deblomasia va Estatejiyato Howa tatvir elbranmej Ennovoviya An Tariq aldeblomasiya Va Fashal aloghobat be Estekhdam Jahd Alami	الحمد لله همه چیز خوبه. آقای روحانی آدم زرنگی است و استراتژی اش پیشرفت برنامه هسته ای از طریق دیپلماسی و شکستن تحریم با استفاده از تلاش جهانی
ابوشای:	ایران فخر لنا و إحنا نحب ایران و شعبها العزيز.	Iran Fakhron Lana va Ehna Noheb Iran va Sha'boha alaziz	ایران افتخار ماست و ما ایران و مردم عزیزش را دوست داریم.
علیرضا:	حبیبی. الله یعزک. شعب ایران و عراق مو شعبین! شَعْب واحد. الصَّوَارِیْحُنَا الصَّنَاعَاتُنَا هو لِكُل مسلمین خاصة شعب العراق.	Habibi. Alla Yo'ezzok. Sha'ab Iran va Iraq Mo Sha'beyn. Sha'ab Vahed. Assavarikhona, Assana'atona howa lekol moslemin Khassata Sha'ab - aliraq	حبیبی. خدا عزیزت کنه. ملت ایران و عراق دو ملت نیستند. ملت واحدند. موشک ها و صنایع ما برای همه مسلمین است بخصوص برای مردم عراق.
ابوشای:	الله یحفظ السید القائد. بعد شای؟	Alla Yahfoz Sayyed Alqaed. Ba'ad Shay?	خدا سید القائد رو حفظ کنه. بازم چای می خوری؟
علیرضا:	لا! شکرا. رحم الله والدیک. آنی أروح لزيارة الامام. دعائی لک.	La Shokran. Rahema-llah Valediyak. Ani Aroh lezirayat elemam.	نه ممنون. خدا پدر مادرتو بیامرزه. میرم برای زیارت. دعای می کنم
ابوشای:	حبیبی. اسئلک الدعا. الله ویاک		دعای کن. خدا به همراهت.

مکالمه ۶		بدو بدو تصریف! تبدیل ریال به دینار! و پیدا کردن فندق ارزان!		
		عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم! مساء الخیر! إشلونک؟	Selamo alaykom. Mas'alkheir! Eshlonak?	سلام. عصر به خیر. چطور حالتون؟
	ابوالتصریف:	علیکم السلام! مساء النور! الحمد لله. آنی یخدمتک	Alaykomos'salam! Masa'annor. Ani Be khedmatok.	علیکم السلام. عصر به خیر. الحمد لله. من در خدمت شما هستم
۲	علیرضا:	أريد تصریف ثلث مئة ألف تومان إلى دنانیر عراقیة!	Arid Tasrif Selet Miyya Aalaf toman Ela dananir Eraghiya	می خواهم سیصد هزار تومان را به دینار عراقی تبدیل کنم
	ابوالتصریف:	بکل سرور	Bekol Soror	با کمال میل
۳	علیرضا:	إشگد سعر التصریف؟	Eshgad se'er attasrif?	قیمت تبدیل چقدره؟
	ابوالتصریف:	ألف دینار یسوی أربع مئة و عشر تومان	Alef Sinar Yossavi Arba miyao Asher Toman	۱۰۰۰ دینار برابره با ۴۱۰ تومان
۴	علیرضا:	شکرا حبیبی. الله یسلمک. تُعرف وین فندق رخیص؟	Shokran Habibi. Alla Yosalle mok. Tow'rof Veyn Fendegh Rakhis?	ممنون. خدا سلامت داردتورا. می دونی هتل ارزان کجاست؟
	ابوالتصریف:	ائی فی شارع الرسول یم السیطرة الاول. الفندق الاحباب العباس	Ey. Fi Share'ar- rasol Yammas- seytarata-l-avval. Elfendegh-al- ahbab-al-abbas	بله. در خیابان رسول کنار ایسبت بازرسی اول. هتل احباب العباس.

مکالمه ۷		فندق احباب العباس در انتهای شارع الرسول کنار سیطره اول! چک و چونه زدن!		
		عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم! مساء الخير! إشلونکم؟	Selamo Alaykom. Mesa'alhkeyr. Eshlonak?	سلام علیکم. عصر بخیر. حالتون چطوره؟
	ابوالفندق:	علیکم السلام! اهلا و سهلا! ایّ خدمة؟	Alaykomossalam! Ahlan va Sahlan! Ayye Khedma?	علیکم السلام. خوش آمدید. در خدمتم.
۲	علیرضا:	موجود غرفة فارغة او کلها محجوز؟	Mojod Ghorfat Faregha ow Kolha Mahjoz?	اتاقی خالی هست یا اینکه همه اش رزرو شده؟
	ابوالفندق:	ای بس وحدة موجودة! ل نفرین؟ بلله؟	Ey bas Vahda Mojodal! Le naf'rayan? Bal'la?	بله ولی یکی موجوده. برای دو نفر میخواید؟ آره؟
	علیرضا:	اشگد ل ثلاث لیل؟	Eshgad le Salat Liyel?	چقدره برای سه شب؟
۳	ابوالفندق:	ل ایّ لیل الی ساعة ثناعش الظهر، ثلاثین الاف دینار	Le Ayye Liyel ela Sa'a Sana'ash Azzohor Salasin alaf dinar	برای هر شب تا ساعت ۱۲ ظهر می شه ۳۰ هزار دینار
	علیرضا:	والا غالی یا حبیبی. آنی انطیک خمس و عشرین! زین؟	Vall Ghali Ya Habibi! Ani Antek Khamso Eshrin! Ziyen?	والا گرونه. من ۲۵ تا می دم. خوبه؟
۴	ابوالفندق:	میخالف. تفضل یا حبیبی	Maykhalef. Tafazzal Habibi	مشکلی نیست. بفرمائید.
	علیرضا:	آنی أروح و سأجی مع صديقي حميدرضا! مو مشکلة؟	Ani Aroh va Sa'Aji Ma'a Sedighi Hamidreza! Mo Moshkele?	من میرم و با دوستم حمیدرضا بر می گردم. مشکلی نیست؟
۵	ابوالفندق:	مومشکل. رُح. آنی یانتظارکم	Roh! Mo Moshkel. Ani Bentezarokom	برو. مشکلی نیست. من منتظرتون هستم.

زنگ زدن به احمد و گذاشتن قرار ملاقات برای صحبت			مکالمه ۸	
عبارت های مکالمه	تلفظ	ترجمه		
سلام علیکم!	Selamo Alaykom!	سلام علیکم.	علیرضا:	۱
علیکم السلام! منو حَضِرَتک؟	Alaykomos'salam! Meno hazertak?	علیک سلام. شما؟	احمد:	
آنی علیرضا. اَگِلک تِسْمَعنی زین؟ اِشلونک یا حبیبی؟	Ani alireza! Agellak Tes'ma'ni Ziyen?	علیرضا هستم. می گم که صدام رو خوب می شنوی؟ چطوری؟	علیرضا:	۲
السلام علیکم یا حبیبی. شِخبارک؟ ای مو مشکل. آنی زین.	As'salamo alaykom ya habibi. Shekhbarek? Ey mo moshkel. Ani ziyen	سلام دوست من. چطوری؟ مشکلی نیست. من خوبم.	احمد:	
شَنو بَرنامِجک الیوم؟	Sheno Barnamjek Elyom	برنامت امروز چیه؟	علیرضا:	۳
الیوم آنی بالجامعة و ما اَگدر اُشوفک	Elyom Ani Be'jjame'a va Ma Agder Ashofak	امروز دانشگاه هستم و نمی توانم ببینمت	احمد:	
اَگِلک شَوَگت آنی اَگدر اُشوفک؟	Agellak Showaket Ani Agder Ashofek?	می گم که کی می تونم ببینمت؟	علیرضا:	۴
باچر انشالله	Bacher Ensha'allah	فردا انشالله.	احمد:	
وین؟ ب ایّ ساعة؟	Veyn? be Ayye Sa'a	کجا؟ چه ساعتی؟	علیرضا:	۵
بالصُّبح ساعة دَعش یمّ الجامعة الاسلامیة فی المكتبة الدار السلام. زین؟	Bes'soboh Sa'a Da'ash Yamma Aljamea'aleslamiye. Fi Maktabat Daras'salam Ziyen?	صبح ساعت یازده کنار دانشگاه اسلامی در کتابفروشی دارالسلام. خوبه؟	احمد:	
زین. انشالله اُشوفک باچر.	Ziyen. Enshalla Ashofak	خوبه. انشالله فردا می بینمت.	علیرضا:	۵
انشالله. مع السّلامه	Enshalla Ma'ssalama	انشالله. خدا نگهدار	احمد:	

مکالمه ۹			صحبَت با یک برادر ارتشی
عبارت های مکالمه		تلفظ	ترجمه
۱	علیرضا:	سلام علیکم آقائی	Selamo alaykom Aghati
	أخی الجیشی:	علیکم السلام یا حبیبی! من وین انت؟	سلام دوست من. اهل کجایی؟ Alaykomos'salam ya Habibi. Men Veyn Enta?
۲	علیرضا:	آنی من طهران.	Ani Men Tahrán.
	أخی الجیشی:	اهلا و سهلا. الباسبورت من فضلک!	Ahlan va Sahlan. Elbasbort Men Fazlk
۳	علیرضا:	تفضل الباسبورت	Tafazal Elbasbort
	أخی الجیشی:	شکرا. چم یوم باقی اهنّا؟	Shokran. Cham Yom Baghi Ehna?
۴	علیرضا:	ل اسبوعین انشالله.	L Osbo'eyn Enshalla
	أخی الجیشی:	شنو سبب السفر؟	Shono Sabab-as-safar?
۵	علیرضا:	لزیراة الامام	Leziyarata'lEmam
	أخی الجیشی:	طیب. الله یسلّمک!	Tayyeb! Alla Yosallamak
۶	علیرضا:	الله یخالیک بیّش السّاعة؟	Alla Yokhalliyek! Biyesh Assa'a?
	أخی الجیشی:	ساعة ثمانية الآ ربع	Sa'a Samaniya Ella Robo'
۷	علیرضا:	شکرا! عاش العراق و جیش العراق. انتو وسام الافتخار و المقاومة	Shokran. Ash Al-iraq va Jeysh-al-Iraq. Ento Vosam Aleftekhar Va'l Moghawema'
	أخی الجیشی:	شکرا یا حبیبی. الله یعزّک. نحنّا شعب واحد.	Shokra Ya Habibi. Allah Yo'ezzok. Nahna Sha'bon Vahed.

قواعد		من دانشجو هستم!				
۱		تمرین				
ضمیر	مثال در جمله	عطشان	افزودن لغات جدید		نکات	
آنی	آنی زین	عطشان	تشنه	در لهجه عراقی برای خطاب قرار دادن زنها به از ضمیر متصل «چ» به جای ضمیر «ک» استفاده می شود.	
	آنی زینه		جوعان	گرسنه	عباراتی که در این درس آمده است با توجه به مخاطب مرد نگارش یافته اند. بنابراین دقت لازم را داشته باشید.	
إنت	انت زین		تعبان	خسته	اشلونک؟ Eshlonak	حالت چگونه؟
إنتی	انتی زینه		مرتاح	سرحال	اشلونج؟ Eshlonach	حالت (زن) چگونه؟
هو	هو زینه		نعسان	خوابآلود	إشلونکم؟ Eshlonak?	حالت چگونه؟ (جمع و یا احترام)
هی	هی زینه		فرحان	خوشحال	برای منفی کردن صفات، قیود و عبارت غیر فعلی از کلمه «مو» استفاده می شود.	
إنتو	إنتو زینین	إحنا مو طالبین	ما دانشجو نیستیم
	أنتو زینین				آنی مو تعبان	من خسته نیستم
إحنا	إحنا زینین				مو مشکل	مشکلی نیست
	إحنا زینات				هاذا مو رخیص	این ارزان نیست
هَمَّه	هَمَّه زینین				هو مو زین	او حالش خوب نیست
	هَمَّه زینات					

عبارات ۱				افعال پر کاربرد پرشی	
۱	چیہ/چی/ چیست؟	شنو؟ ش-	shono?	شَنو رائِک؟ نظرت چیہ؟	شِسْمُک؟/سمت چیہ؟
		شی؟ اِش؟	shi?esh?	شی تُدرُس؟ چه درسی می خوانی؟	اِش بیک؟ تو را چه شده؟
۲	چگونه/ چطور؟	اِشلون؟	eshlon?	اِشلونَ الفندِیق؟ هتل چطورہ؟	اِشلونَ الأهل؟ خانواده چطورہ؟
		شُوکْت؟	showaget?	شوگت تجیب مای؟ کی آب می آوری؟	شوگت یچی؟ کی می آید؟
	کی/چه وقتی؟	یَمَتی	yamta	یَمَتی تجی یا اخی؟ کی می آیی برادرم؟	
۳	چرا؟	لیش؟	liyesh?	لیش ماگلت لی؟ چرا به من نگفتی؟	لیش تضحک؟ چرا می خندی؟
۴	کجا؟	وین؟	veyn?	وین السوگ؟ بازار کجاست؟	وینک الان؟/ان کجایی؟
۵	چقدر؟	اِشگد؟	eshgad?	اِشگد معک فلوس؟ چقدر پول ہمرات؟	اِشگد الاجرة؟/کرایہ چقدرہ؟
	چندتا/چقدر ؟	کم، چم؟	kam? cham?	چم یوم باقی ہنا؟ چند روز اینجایی؟	چم سنة عمرک؟ چندسالہ؟
	چند/چقدر؟	بیش؟	biyyesh?	بیش ہاذا؟ قیمتش چندہ؟	بیش السّاعة؟ ساعت چندہ؟
۶	چه خبر؟	شکو ماکو؟	shako mako?	شکو ماکو بالسوگ؟ چه خبر از بازار؟	شکو ماکو الیوم؟/مروز چه خبر؟
۷	چه کسی؟	منو؟	meno?	منو هو؟/و کیست؟	منو ینتصر؟ چه کسی پیروزہ؟

عبارات ۲			برخی صفات و عبارت پر کاربرد
۱	هواية	howay e	هاذا هواية، / این زیاده.
	شوية	showay ye	آنی اگدر (agder) اچچی (ahchi) شوية عربی. من می توانم مقدار کمی عربی صحبت کنم.
۲	رخيص	rakhish	اكو فندق رخيص ب هادا الشارع؟ هتل ارزان در این خیابان هست؟
	غالی	ghaali	والا سعرها (se'roha) غالی یا حبیبی. قیمتش گرونه حبیبی.
۳	حار	harr	عندک شای حار؟ چای گرم نذرت هست؟
	بارد	bared	إشرب ماء بارد! آب سرد بنوش!
۴	خوش	khosh	خوش فکرة. فکر خوبی ه.
			هو خوش وَلَد (walad). او پسر خوبی است.
۵	کل	koll	كلها (kolha) ملابِس (malAbes) شخصية. همه اش لباس های شخصی است.
			كل شخص (shakhes) ایرانی قُبيلة نُؤوية بنفسِه (benafse)! هر شخص ایرانی خودش بمب اتم است.
			كلشي (kolshi) موجود بالسوگ. همه چیز در بازا هست.
۶	شی	shi	شی بيه (shi beha)؟ چی تویش هست؟
۷	أی	ay	إنت بِ آيِ جامعة؟ تو در کدام دانشگاهی؟
			إحنا نحچی بِ ای موضوع تَريد در هر موضوعی که خودت می خواهی صحبت می کنیم
۸	کَلَش	kollesh	هاذا العمود کَلَش طويل. این میله خیلی بلند است.
۹	وراء	vara'	الساحة الطف وراء الحرم. میدان طف پشت حرم ه.
	گَدّام	geddam	كاراج هناک. گَدّام الفندق العباس. گاراج آنجاست. جلوی هتل عباس.
		yam'm	آنی ب يَمَك. من در کنار تو ام.

۱	یم	کنار، نزدیک	القنصلیة الایرانیة یمّ الشارع القبلة. کنسولگری ایران کنار خیابان قبله است.
۱	ویّا	wiy'ya همراه، با	احنا نجي(neji) ویتاک للدفاع عن الحرم. ما با تو برای دفاع از حرم حضرت زینب می آییم.
			آنی ویتاک(wiyyak) یا حسین. من همراه تو ام یا حسین.
			اثنّا(athna)، در طول، هنگام
			غیر(gheyr)، به جز
			حوالی(havali)، تقریباً
			بین(beyn)، بین
			تحت(taht)، زیر
			فوک(fog)، بالا، علاوه بر این
			حسب(hasab) بر حسب، بر طبق
			داخل(dakhel)، داخل، درون
			ضدّ(zedd) ضد، مخالف، برخلاف
			حول(howl) حول، پیرامون، اطراف
			بس(bas)؛ ولی، اما
			برّا(barra)، برون، خارج

میخالف	maykhalef	مشکلی نیست	میخالف ازورک(azorak) بالظهر؟ مشکلی نیست ظهر ببینمت؟
میصیر	maysir	ممکن نیست، نشدنی ه	میصیر! بالیل انت ضیفی. نشدنی ه! شب مهمون منی.
لَعَد	la'ad	خب، پس	لعد لیش ما تشرّب چای؟ پس چرا چای نمی خوری؟
یعنی	ya'ni	ای، بگی نگی، میم	تگدر(tegdar) تحچی عربی؟ : یعنی شویه. آیا می تونی عربی صحبت کنی؟: میم ای بگی نگی کمی!

برخی قیود زمانی پر کاربرد به همراه مثال های نمونه					عبارا		
مثال کاربردی					ترجمه	تلفظ	ت ۳
البارحة آنی شفت (shefet) حمیدرضا. دیروز حمیدرضا را دیدم					دیروز	albaare ha	إلبارحة
هو راح لکربلا البارحة. /او دیروز رفت به کربلا							
اليوم علیرضا ما راح (raah) للجامعة. علیرضا امروز نرفت دانشگاه.					امروز	alyom	إلیوم
باچر اشوفک (ashofek) انشالله. فردا می بینمت انشالله					فردا	bacher	باچر
باچر احنا نغادر (noghaader) من الحدود للایران. فردا از مرز خارج می شویم به سمت ایران							
هو ما یچی (iji) هاذا الاسبوع. /او این هفته نمی آید.					هفته	osbo'	اسبوع
آنی س اجی بعد شهرین للنجف. من بعد دوماه دیگه می آیم نجف.					ماه	shaher	شهر
هاذی سنة ایران تدمر الشیطان الاکبر. امسال ایران شیطان بزرگ را نابود میکند.					سال	sena	سنة
هسه احنا تحت الضغوط (zoghot) الاقتصادية، ولكن احنا مقاومین (ghavem)					الان	hessa	هسه
هسه وین إنت؟ کجایی الان؟							
من اول الثورة لیهسه ایران فی خط المقاومة و یدعم کل شعب العالم. از اول انقلاب تا الان ایران در خط مقاومت است و همه مردم دنیا را حمایت می کند.					تا الان	lihessa	لیهسة
گبل شهر آنی رحت بالمشی لزیراة الامام الحسین! ماه قبل برای زیارت امام پیاده رفتم.					قبل (از)	gabol	گبل
گبل الساعة هو راح للمطار. ساعتی قبل رفت فرودگاه.							
بعد الظَّهر آنی اگدر (aqder) اشوفه. بعد از ظهر می توانم او را ببینم.					بعد (از)	ba'ad	بعد
أشوفک بعدین انشالله. بعدا می بینمت انشالله					بعدا	ba'diye n	بعدین
لیلاً	مساءً	عصراً	صباحاً	های وین إنت؟ کجا بودی؟	بودن	hay weyn	های وین
بالیل	إلمساء	إلعصر	إلصُّبح		ماضی		

عبارات ۴	عبارت های تشکر و خداحافظی		توضیح کاربردی
۱	الله یُخَلِّیک	تشکر	این دو عبارت هنگام تشکر کردن، درخواست کردن چیزی، سوال کردن و هنگام خداحافظی کردن به کار می روند. وقتی می خواهید از کسی بپرسید حرم کجاست، وقتی می خواهید از راننده تاکسی تشکر کنید و یا پول را پرداخت کنید، وقتی به تعارف چای برادر عراقی تان پاسخ مثبت دادید از این لفظ استفاده کنید استفاده از این عبارت موجب برقراری ارتباط بیشتر می شود.
	allah yokhal'liyek	درخواست سوال	
۲	رَحِمَ الله والدیک	خداحافظی	
	Rahema'lla valediyek		
۳	من فَضْلُک	طلب	لفظ احترام است و وقتی از کسی سوال و درخواستی داریم این لفظ را در ابتدای سوال مان می آوریم.
	men fadlek	درخواست	
۴	عن اذنک	اجازه گرفتن	هنگام اجازه گرفتن، هنگام ترک و خداحافظی کردن از کسی از این لفظ احترام آمیز استفاده می کنیم.
	an eznek		
۵	یا عینی	خطاب با محبت زیاد	وقتی با کسی صمیمی شدید و می خواهید با محبت او را صدا بزنید می توانید از این لفظ استفاده کنید. در استفاده از این لفظ اسراف نکنید.
	ya ayni liyesh maa gelet li veyn etroh		
۶	الفاظ خداحافظی	مع السلامة	الله ویاک الی القاء فی أمان الله(فیمانالا)

قواعد ۲									
صرف فعل ماضی									
ضمیر		رفتن	دیدن	گفتن	رسیدن	افزودن افعال			
هو	—	راح	شاف	گال	وِصل		منفی سازی فعل ماضی: افزودن «مَ» یا «ما» به ابتدا		
هی	ت	راحت	شافت	گالت					
همه	و	راحو	شافو	گالو			هو ما راح	اونرفت	انت ما گالت لی
انت	ت	رحت	شفت	گالت			انت ما شفته	اورا ندیدی	هی ما وصلت اونرسید
انتی	تی	رحتی	شفتی	گالتی					
انتو	تو	رحتو	شفتو	گالتو					
آنی	ت	رحت	شفت	گالت					
اِحنا	نا	رحنا	شفنا	گالنا					

قواعد ۳							
صرف فعل مضارع							
		ضمیر	می رود	تلفظ	می گوید	تلفظ	افزودن افعال
منفی سازی فعل مضارع: همانند فعل ماضی		هو	یَ/یِ/یُ/ –	یروح	yroh	یُگول	igul
		هی	تَ/تِ/تُ/ –	تروح	etroh	تُگول	etgul
مرجع اشاره فعل را می توان اضافه کردن ضمائر متصل به انتهای فعل مشخص کرد		همه	یَ/یِ/یُ/ .. وُن	یروحون	yrohon	یُگولون	igulun
		إنت	تَ/تِ/تُ/ –	تروح	etroh	تُگول	etgul
هو ما یروح	او نمی رود	إنتی	تَ/تِ/تُ/ .. ین	تروحین	etrohin	تُگولین	etgulin
آنی اُگولُک	من به تو می گوییم	إنتو	تَ/تِ/تُ/ .. وُن	تروحون	etrohon	تُگولون	etgulun
		آنی	أ –	أروح	taroh	أگول	agol
		إحنا	نَ/نِ/نُ/ –	نروح	naroh	نُگول	engol

قواعد ۴						صرف فعل امر			
ضمیر			رفت		گفتن	تلفظ	نکات تکمیلی		
اِنت	مضارع	تروح	etroh	تگول	etgol				
	امر	روح	roh	گُل	gol				
	نفی	لتروح	latroh	لگُل	lagol				
اِنتی	مضارع	تروحین	etrohin	تگولین	etagolin				
	امر	روحي	rohi	گولی	goli				
	نفی	لتروحین	latrohin	لگولی	lagoli				
اِنتو	مضارع	تروحون	etrohon	تگولون	etgolom				
	امر	روحو	roho	گولو	golo				
	نفی	لتروحون	latrohin	لگولو	lagolo				
نکات تکمیلی:									

جدول ۱	جدول ارقام و ساعات				نکات و تمرین
یک	واحد/وحدة	Vahed/vahda	یازده	دَعَش	Da'ash
دو	اِثنین/نین	Esniyen/niyen	دوازده	ثِنَاعَش	Sa'ash
سه	إِطِلَاتْ	Etlaosa	سیزده	إِطِلَاتْطَعَش	Etlat'ta'ash
چهار	أَرِيعَ	Arba'a	چهارده	أَرِيعَطَعَش	Arbata'ash
پنج	خَمَسَ	Khamsa	پانزده	خَمُسَطَعَش	Khomota'ash
شش	سِتَّ	Set'ta	شانزده	سِتَّاعَش	Set'ta'ash
هفت	سَبْعَ	Sab'a	هفده	سَبْعَاطَعَش	Sab'a'ta'ash
هشت	ثَمَانِي	Samaniya	هجده	ثَمْنَطَعَش	Samon'ta'ash
نه	تِسْعَ	Tes'a	نوزده	تِسَاطَعَش	Tesa'ta'ash
ده	عَشَرَ	ashra	بیست	عِشْرین	eshrin

برای تولید اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰... لفظ ین به آخر اعداد شمارش اضافه می شود

صد	مِیَّة	Mi'y'ya	۵۴۳	خمس مِیَّة و طلات و اربعین	Khames miya o teas o arbain
دویست	مِیَّتین	Mit'tiyen	۱۹۷۹	أَلِف و تسع مِیَّة و تسع و سبعین	
سیصد	سِلَاط مِیَّة	Selat miyya	۲۰۰۳	أَلَفین و تلات	
چهارصد	أَرِيع مِیَّة	Arba miyya	۲۰۱۴	أَلَفین و اربعطعش	
پانصد	خَمَس مِیَّة	Khames miya	۱۴۰۰	الف و اربع مِیَّة	
ششصد	سِت مِیَّة	Set miya	۳۴۵۱	تِلَت آلاف و اربع مِیَّة و واحد و خمسین	
هفتصد	سَبْع مِیَّة	Sab'a miya	۳۰۰۰	تِلَت آلاف	telat alaf
هشتصد	ثَمَن مِیَّة	Saman miya	۸:۴۰	ساعة ثمانية و اربعین	
نُهصد	تِسْع مِیَّة	Tes'a miya	۹:۴۵	ساعة عشر الّا ربع	
هزار	أَلِف	alef	۱۵:۳۰	ساعة تلات و نص بعد الظهر	

جدول افعال			جدول ۲
مثال کاربردی	معنا	تلفظ	فعل
	خوردن	Akel/ya'kol	اکل/یاکل
	آمدن	Eja/yeji	إجا/یجی
	شکسته شدن	Enkesar/yenkeser	إنکسر/ینکسر
	فروختن	Baa'/yabii'	باع/یبیع
	باقی ماندن	Boqa/yobqa	بقا/یبقا
	صحبت کردن	Takallam/yetakallam	تکلم/یتکلم
	یادگرفتن	Ta'allam/yetaallam	تعلم/یتعلم
	دادن	Jab/yjib	جاب/یجیب
	جواب دادن	Javab/yjaveb	جاوب/یجاوب
	بودن	Chan/yakon	چان/یکون
	دوست داشتن	Habb/yhebba	حبّ/یحبّ
	تغییر دادن	Hawwal/yhawel	حوّل/یحوّل
	تلفن کردن	Khabar/yokhbor	خابر/یخابر
	ترسیدن	Khaf/yokhaf	خاف/یخاف
	خجالت کشیدن	Khejal/yekhaji	خجل/یخجل
	درس خواندن	Deras/yodros	درس/یدرس
	درس دادن	Darras/ydarres	درّس/یدرّس
	رفتن	Rah/yaroh	راح/یروح
	خواستن	Rad/yrid	راد/یرید

رسل /یرسل	Resal/yersel	فرستادن	
زار /یزور	Zar/yazor	دیدن	
ساعد /یساعد	Sa'ad/yosaed	کمک کردن	
سحب /یسحب	Sehab/yeshab	کشیدن	
شاف /یشوف	Shaf/yashof	دیدن	
ضحک /یضحک	Zehak/yezhak	خندیدن	
عرف /یعرف	Eraf/yo'rof	شناختن	
گال /یگول	Gal/yagol	گفتن	
گعد /یگعد	Gead/yagod	نشستن	
گدر /یگدر	Gedar/yegdar	توانستن	
فتح /یفتح	Fetah/yaftah	باز کردن	
قتل /یقتل	Qetal/yoqtol	کشتن	
کتب /یکتب	Ketab/yektab	نوشتن	
مشا /یمشی	Mesha/yemshi	راه رفتن	
نام /ینام	Nam/yonam	خوابیدن	
نطا /ینطی	Neta/yenti	دادن	
حتاج /یحتاج	Htaj/yehtaj	احتیاج داشتن	
اخذ /یاخذ	Akhaz/yakhoz	گرفتن	

حب الحسين يجمعنا

الامام الزميني: على المسلمين أن يفكروا في إقامة دولة اسلامية عظمى و هذا أمر ممكن



ملتقى الصداقة و الاخوة بين الشعبين الإيراني و العراقي في الفيسبوك

facebook.com/iraqiran14

الإمام الخامنئي:
مَثَلنا و مَثَلُ شعب العراقى:
لحمك لحمى و دمك دمى.

